

بررسی عوامل مؤثر بر تعاملات و ارتباطات دانشجویان با استادان

عبدالرضا نواح^۱، کریم رضادوست^۲ و محمد پورترکرونی^۳*

چکیده

تعاملات و روابط بین دانشجویان و استادان یکی از مهم‌ترین عرصه‌های ساختار اجتماعی علم به‌شمار می‌آید. هدف از این پژوهش بررسی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر تعاملات و ارتباطات دانشجویان با استادان بود. عرصه‌های مختلف تعاملاتی با توجه به نظریه‌های جامعه‌شناسی علم و با چارچوب نظری بورديو بررسی شده است. از روش پیمایشی برای ارزیابی تعاملات و ارتباطات استفاده شد. پاسخگویان از میان جامعه دانشجویی دانشگاه شهید چمران اهواز انتخاب شدند. یافته‌های پژوهش نشان داد که سرمایه‌ها قابل تبدیل به یکدیگرند و موقعیت فرد در قلمرو اجتماعی علم با توجه به میزان و ترکیب سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی او تعیین می‌شود و تعاملات و روابط دانشجویان با استادان با میزان سرمایه‌های آنها در بیرون و درون فضای آکادمیک رابطه مثبت و معنادار دارد. در بخش پایانی مقاله پیشنهادها و راهکارهایی برای تقویت روابط و تعاملات برای توسعه نهاد علمی ارائه شده است.

کلید واژگان: تعاملات، سرمایه فرهنگی، سرمایه اقتصادی، بورديو. استاد، دانشجو.

مقدمه

علم نوعی نظام اجتماعی است که در آن انبوهی از فعالیت‌های شناختی و غیرشناختی انجام می‌شود. ایده‌آل آن است که همه فعالیتها به کسب دانش معتبر معطوف باشند یا به عبارت بهتر، کارکرد آشکار این نهاد تولید شناخت معتبر باشد. اما مشابه هر نهاد اجتماعی دیگری، همه فعالیت‌های این نهاد به چنین هدفی ختم نمی‌شود و همین هدف نیز تحت تأثیر مجموعه‌ای از کنشگران و اشیا، روابط میان آنها و ترتیبات سازمانی نهاد علم قرار دارد (Sharepour and Fazeli, 2006). با پذیرش تعریف جامعه‌شناختی از علم، باید پذیرفت که علم مجموعه‌ای از سازمانها مانند دانشگاهها، دانشکدهها، سازمانهای تحقیقاتی، مجلات، مجاری ارتباطی، افراد، کنشهای علمی و هنجارهای کنش را

۱. استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران: dr.navah@yahoo.com

۲. دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران: rezadoostk@yahoo.com

۳. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

* مسئول مکاتبات: m.pourtarkaran@gmail.com

دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۷/۱۳ پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۱۲/۱۶

شامل می‌شود. این مجموعه نظام اجتماعی علم را تشکیل می‌دهد که به‌مثابه هر نظام اجتماعی دیگری دارای تفکیک، انسجام و بازتولید است. در نظام اجتماعی علم، عالمان یافته‌های خود را با دیگران مبادله می‌کنند، الزام به انتشار یافته‌های خود دارند، به دلایل مختلف گرد هم می‌آیند و برای عمل جمعی خود راهنماهای هنجاری زیادی دارند. بنابراین، نظام اجتماعی علم بر ساختاری ارتباطی متکی است (Ghaneie Rad, 2006).

با توجه به شواهد تجربی به‌دست آمده از چندین پژوهش، در دانشگاه‌های ایران چندان به نقش‌های اساسی و اولیه آن - تولید دانش و بسته‌بندی و انتقال آن از سوی کارگزاران دانش اعم از استاد و دانشجو - توجه نمی‌شود. دانشجو با ورود به دانشگاه فقط از نظر کنش‌های غیرآکادمیک - نگرش‌های دینی، سیاسی و اجتماعی - متحول می‌شود و چندان نمی‌تواند به کارکردها و رسالت‌های اساسی دانشگاه که تولید دانش و انتقال آن و به عبارت دیگر، کنش ارتباطی و گفتمانی است، دست‌یابد (Behravan, 2004). در برخی از پژوهش‌ها این نتایج به‌دست آمده است که در نظام آموزش‌عالی کنونی ایران کارهای دانشجویان به‌صورت فردگرایانه و غیر جمعی انجام می‌شود. فضای گفتگو^۴ یا مشارکت کنشگران اجتماع علمی در گفتگو یا کنش آنها به این گفتگو چندان عمیق نیست (Marjaei and Ghazi Tabatabaei, 2001; Ghaneie Rad, 2006).

به نظر می‌رسد که در دانشگاه‌های ایران نقش کنش‌های متقابل روزمره و تعاملی کم‌رنگ است. برای مثال، در برخی از رشته‌های دانشگاهی در کشور ایران از قبیل علوم اجتماعی ضعف ارتباطات و مبادلات علمی بین استاد و دانشجو وجود دارد (Abdollahi, 1996). بین جامعه‌شناسان متعلق به نسل‌های متفاوت شرایط ساختاری اجتماعی به‌گونه‌ای است که می‌توان آن را به‌صورت نبود ارتباط و پیوند بین جامعه‌شناسان متعلق به نسل‌های مختلف و نبود قواعد و ضوابط مؤثر در تعیین ارتباطات بین کارگزاران رشته جامعه‌شناسی به‌مثابه یک «وضعیت بی‌هنجار» توصیف کرد (Ghaneie Rad, 2006).

در ساختار اجتماعی محیط علمی ایران تعاملات و روابط بین استادان و دانشجویان به‌گونه‌ای است که در آن روابط و تعاملات شکلی شکننده و زودگذر و ناپایدار دارند و ساختار اجتماعی در دانشگاه‌های ایران به روابط و تعاملات نهادینه نشده معطوف است (Marjaei and Ghazi Tabatabaei, 2001). بنابراین، با توجه به شواهد تجربی ارائه شده، به نظر می‌رسد که در کشور ایران روابط و تعاملات در جامعه علمی به‌طور کلان و روابط و ارتباطات دانشجویان و استادان به‌صورت خرد به نوعی دچار ضعف و فرسایش شده است. با توجه به طرح مسئله مذکور، هدف اصلی این پژوهش توصیف و تبیین ارتباطات و تعاملات دانشجویان با استادان است و به دنبال پاسخ به این پرسش است که چه عواملی باعث شده است تا تعامل دانشجویان با استادان کم شود. آیا این عوامل فقط از درون فضای آکادمیک برمی‌خیزد یا عوامل برون آکادمیک در شکل‌گیری ضعف رابطه دانشجویان با استادان مؤثرند؟

ضرورت پرداختن به مسئله تعاملات و روابط دانشجویان با استادان و مسائل منتج از آن که روز به روز مشکلات جامعه علمی را پیچیده‌تر می‌سازد، حایز اهمیت فراوانی است. آنچه ضرورت اجرای این پژوهش را دو چندان ساخته است، شناخت عوامل مؤثر بر تعاملات و ارتباطات دانشجویان با استادان در ارتباط با میزان و ترکیب سرمایه‌های آنان از قبیل سرمایه فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی بوده است. در واقع، در جامعه علمی ایران که دهه‌هاست به دنبال توسعه یافتگی علمی است، شناخت درست از وضعیت تعاملات و روابط عناصر و کارگزارانش یک ضرورت به شمار می‌آید.

مفهوم ارتباط و تعاملات: با توجه به گسترش فناوریهای اطلاعات و ارتباطات، اجتماعات علمی را می‌توان به دو نوع واقعی و مجازی تقسیم کرد. فناوری اطلاعات و ارتباطات با گسترش مناسبات اجتماعی غیر مستقیم نوعی از تعاملات به نام اجتماع علمی مجازی را ایجاد کرده و گفتگو و مبادلات علمی را به فضای مجازی کشانده است. اعضای اجتماعات مجازی جایگاه و محل یکسانی ندارند، ولی از علائق مشترکی برخوردارند. این اجتماعات تعامل همزمان افراد را بر مبنای اشتراک اهداف و علائق و نه نزدیکی انفاقی مکانی به همدیگر ارتباط می‌دهند. همچنین، اجتماعات علمی را بر حسب گستردگی و دامنه جغرافیایی آن به دو صورت موقعیتهای محلی و شبکه‌های اجتماعی می‌توان بررسی کرد. از یک سو، علم را می‌توان یک پدیده محلی قلمداد و از سوی دیگر، تعاملات در اجتماعات علمی را [با توجه به مفهوم شبکه‌ها] می‌توان تحلیل کرد. در موقعیتهای محلی^۵ تعاملات و ارتباطات رویارو رخ می‌دهد و مناسبات غیررسمی اهمیت دارد، ولی در شبکه‌ها ارتباطات غیرمستقیم و اغلب به شکل رسمی غلبه دارد. هر چند فعالیتهای آموزشی و پژوهشی در جهان بیش از پیش به ظرفیتهای اطلاع‌رسانی از طریق اینترنت، اطلاعات، ارائه متون و دروس از راه دور و ارتباطات و تعاملات همزمان کامپیوتری وابسته می‌شود، ولی به نظر می‌رسد که ریشه‌های تکوین علم در کشور ایران را باید در وهله اول در روابط و تعاملات واقعی و در اجتماع واقعی و موقعیت محلی، نه شبه اجتماع، جستجو کرد (Ghaneie Rad, 2006).

این پژوهش متناسب با نیازهای کنونی جامعه علمی برای تکوین ارتباطات و تعاملات درون حوزه علمی تخصصی به جای شبکه‌های پژوهشی بازارگرا و برون‌گرا، با تأثیر از نگاه رندل کالینز که قایل به تفاوت بین موقعیت محلی و شبکه‌های اجتماعی است، انجام شده است و بنابراین، ترجیحات نظری در این پژوهش عبارت‌اند از: تأکید بر اجتماع علمی در مقابل سازمان علمی، تأکید بیشتر بر اجتماع واقعی در مقابل اجتماع مجازی و توجه به موقعیت محلی در مقابل شبکه‌های اجتماعی. در این پژوهش متناسب با وضعیت علم در کشور ایران بر جنبه‌های اجتماعی، واقعی، رویارو و محلی تأکید شده است.

جاذبی‌زاده و کریمی پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر در بهبود ارتباط میان استادان و دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد جهرم» انجام داده‌اند که در آن از روش پیمایشی استفاده و ابزار

جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه و حجم نمونه آماری ۴۸۷ نفر بوده است که از ۵۱۰۰ نفر دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد چهرم انتخاب شده بودند. روش نمونه‌گیری این پژوهش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب بود. متغیرهایی که در ارتباط با چگونگی بهبود ارتباط میان استاد و دانشجو در این پژوهش وجود داشت عبارت‌اند از: سن، جنسیت، بومی بودن و نبودن دانشجو، وضعیت تأهل، میزان درآمد در خانواده، پایگاه اجتماعی خانواده، معدل تحصیلی دانشجو، میزان تحصیلات والدین دانشجو، شغل والدین، گشودگی استاد، اعتماد به دانشجو، همدلی استاد با دانشجو، مثبت‌گرایی استاد، حمایت‌گرایی استاد از دانشجو، خویشنداری و توان علمی استاد. نتایج این پژوهش نشان داد که در ارتباط با اعتماد استاد به دانشجو از دیدگاه دانشجویان تمایل متوسط وجود دارد و همین‌طور در خصوص متغیر حمایت استاد از دانشجو پاسخ‌دهندگان نگرش متوسطی داشته‌اند. در حالی که بیشتر دانشجویان خویشنداری استاد و توان علمی بالا را ملاک رضایت خویش از استاد ذکر کرده‌اند (Jazebizadeh and Karimi, 2007).

قانع‌راد در پژوهشی با عنوان «نقش تعاملات دانشجویان و استادان در تکوین سرمایه اجتماعی دانشگاهی»، با برشمردن تعاملات و ارتباطات بین دانشجویان و استادان به این مفهوم به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین عرصه‌های ارتباطات در آموزش عالی و به‌مثابه مهم‌ترین سرمایه دانشگاهی اشاره کرده است. او با انجام دادن این پژوهش به روش پیمایشی و کاربرد ابزار پرسشنامه، مناسبات بین دانشجویان و استادان رشته‌های علوم اجتماعی در دانشگاه‌های تربیت معلم تهران، شهید بهشتی، الزهرا و علامه طباطبایی را بررسی کرده و با مطالعه قلمروهای گوناگون ارتباطی با توجه به آرای جامعه‌شناسان علم در ابعاد عینی و ذهنی به این نتیجه دست یافته است که روابط دانشجویان در قلمروهای مختلف با استادان خود پایین است و میزان روابط در دانشگاه‌های مورد بررسی با همدیگر تفاوت معناداری دارد. بر اساس یافته‌های این تحقیق افزایش ارتباطات دانشجویان با استادان بر متغیر تحصیلی و روانشناختی از قبیل میزان پیشرفت تحصیلی، احساس غرور و اثربخشی دانشجویان تأثیرگذار است. همچنین، در این پژوهش به اهمیت تعاملات و ارتباطات در بهبود فضای آموزشی و ارتقای یادگیری اشاره شده است (Ghaneie Rad, 2006).

مروری بر پیشینه تحقیق در کشور ایران نشان می‌دهد که بیشتر پژوهشهایی که در خصوص موضوع تعاملات و ارتباطات دانشجویان با استادان انجام شده است، متغیر تعاملات و ارتباطات بیشتر به‌صورت متغیر مستقل به‌کار برده شده است، ولی در پژوهش حاضر این متغیر به‌صورت متغیر تابع و وابسته بررسی و سنجش شده است. همچنین، در این پژوهشها از یک دیدگاه جامعه‌شناسی مناسب به موضوع تعاملات و ارتباطات نگریسته نشده است، امری که سعی شده است در این پژوهش به نحو مناسبی رعایت شود.

در برخی از پژوهش‌های خارجی که در آنها تعاملات و روابط بین دانشجویان و استادان بررسی شده، از این زاویه به آن پرداخته شده است که روابط تا چه حد از ویژگی‌های دانشجویان و استادان تأثیر می‌پذیرد. ویلسون^۶ و همکاران در باره تأثیر ویژگی‌های دانشجویان بر تعامل آنها با استادان در هشت دانشکده مختلف مطالعه کرده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که دانشجویان با جهتگیری فکری، عمل‌گرا و هنری با احتمال بیشتری با استادان در درون و بیرون از کلاس گفتگو و بیشتر موضوعات مورد علاقه خود را مطرح می‌کنند. دانشجویان با جهتگیری علمی یا حرفه‌ای که بیشترین انرژی را در خود صرف می‌کنند، رویکردی انفعالی‌تر به استادان و دروس خویش اتخاذ می‌کنند. این دانشجویان معمولاً نمرات بالاتری به دست می‌آورند، ولی نه با نفوذ بر استادان یا تلاش برای تغییر قواعد و نیز آنها آمادگی یافته‌اند تا بر طبق قواعد بازی کنند (Watkins, 2002).

بر اساس گزارش آستین^۷ دانشجویان دارای ویژگی احترام به خویشان، با استادان بیشتر در تعامل هستند. با وجود این، پاسکارلا^۸ استدلال می‌کند که تجربه دانشجویان در دانشگاه بیشتر از صفات شخصیتی و ثابت آنها بر تعاملشان با استادان تأثیر دارد. این دیدگاه با تحلیل اسنادی مددجویی دانشجویان به وسیله آموز و سینگ^۹ تأیید می‌شود. آنها در خصوص تصمیمات دانشجویان برای مددجویی از استادان به وسیله جلسات جبرانی قبل از یک امتحان اصلی، مطالعه‌ای میدانی را ترتیب داده‌اند. آموز و سینگ دریافتند که بیشتر دانشجویان مددجو در گذشته عملکرد بدی در امتحانات داشته‌اند و این نتایج نامطلوب را اسناد می‌دادند به اینکه از طریق جلسه جبرانی می‌توانستند برطرف شوند یا دانشجویانی بودند که اطلاعاتی را در باره ارزش جلسات یادشده دریافت کرده بودند. به اعتقاد آنها قومیت نیز در برقراری تماس دانشجو با استاد تأثیرگذار است. استادان اغلب با دانشجویان اقلیت تماس کمتری دارند و از آنها سوالات ساده‌تری را می‌پرسند. بر اساس این یافته‌ها، گویا مریدان انتظارات علمی کمتری را از دانشجویان اقلیت دارند. عوامل شغلی استادان مثل رتبه علمی، تعداد انتشارات و تخصص موجب ارتباط کم آنها با دانشجویان می‌شود. بر اساس پژوهش ویلسون و دیگران اسنادی که تعلیم و تربیت را به مثابه یک فرایند تعاملی بین معلم و شاگرد تلقی می‌کنند، بالاترین نرخ تماس را با دانشجویان خود دارند. بنابراین، این استادان مشارکت دانشجویان را در درون و بیرون کلاس تشویق می‌کنند. برخی از رفتارهای غیرکلامی استادان ممکن است دانشجویان را به برقراری تماس با آنها تشویق کند. پژوهشگران برای ۱۶۰ دانشجو سخنرانی‌های ویدئویی با سبک بیان متفاوت را پخش کردند. دانشجویانی که با سخنران تماس داشتند، سبک آموزشی صمیمی را برای برقراری ارتباط با سخنران به سبک آموزشی ابزاری ترجیح دادند. تماس چشمی، لبخند، حرکات دست و بازو و موقعیت نرم‌تر و سبک‌تر بالای بدن در سبک صمیمی وجود داشت (Watkins, 2002).

6. Willson

7. Astin

8. Pascarella

9. Amze and Seing

در پژوهشی با عنوان «سرمایه فرهنگی به‌عنوان تبیین‌کننده تفاوت در مشارکت آموزش‌عالی» محققان با برشمردن سرمایه فرهنگی به‌عنوان یک سازه برای تحلیل نابرابریها در آموزش به آزمون این متغیر جامعه‌شناختی پرداختند. به نظر آنها گوناگونی در سرمایه فرهنگی بر تفاوت طبقات اجتماعی در سطوح مشارکت توزیع دانشجویان به نخبگان و دیگر دانشگاهیان و احتمال ترک تحصیل تأثیر می‌گذارد. این پژوهشگران اعتقاد داشتند که در بسیاری از تحقیقات انجام شده اخیر در زمینه سطوح مشارکتی، چندان به رابطه بین سرمایه فرهنگی و مشارکت دانشجویان در آموزش‌عالی توجه نشده و چنین رابطه‌ای نشان داده نشده است. آنها با در نظر گرفتن سرمایه فرهنگی در قالب شغل و تحصیلات والدین و بخش میزان سرمایه فرهنگی فرد به این نتایج دست یافتند که سرمایه فرهنگی می‌تواند به‌عنوان عاملی مؤثر و مهم در مشارکت دانشجویان در همکاریشان در دانشگاه لحاظ شود (Noble and Davis, 2008).

مروری بر پیشینه تحقیقات خارجی نشان می‌دهد که در برخی از پژوهشهایی که بر موضوع تعاملات و ارتباطات تأکید شده است، بیشتر از تبیین‌های روانشناختی استفاده شده است. همچنین، در تحقیقاتی که به‌صورت جامعه‌شناختی گردآوری شده‌اند، بیشتر متغیر تعاملات و ارتباطات به‌صورت کلی و به‌صورت مشارکت در آموزش‌عالی سنجش شده است. متغیر تعاملات و ارتباطات دانشجویان با استادان در این تحقیقات به‌صورت تعاملات ذهنی بررسی شده است و تفاوت این تحقیق با پژوهشهای انجام شده خارجی در این است که در این پژوهش هم به عوامل عینی و هم عوامل ذهنی پرداخته شده است.

در این تحقیق برای تبیین مسئله تعاملات و روابط دانشجویان با استادان از نظریه پیر بوردیو^{۱۰} استفاده شده است. مفهوم فضا نقطه شروع بسیار مهمی برای بهره‌گیری از تفسیرهای بوردیو از جامعه است، زیرا فضای اجتماعی در واقع، اولین و آخرین واقعیت است و صرفاً تجمعی از افراد نیست (Seedman, 2006; Scott and Lopez, 2005; Tavassoli, 2005). نوعی فضای چند بعدی از مختصات است که در آن ارزشها تناسب متغیری دارند. در این خصوص، عاملان (مانند دانشجویان) در این فضا در بعد اول بر اساس حجم کلی سرمایه در اختیار و در بعد دوم بر اساس ترکیب سرمایه شان - وزن نسبی مجموع فضاهای متفاوتی که در اختیار دارند - توزیع می‌شوند. انگاره سرمایه از رویکرد اقتصادی سرچشمه می‌گیرد. بازشناسی ویژگیهای سرمایه این تشابه را به‌خوبی نشان می‌دهد که سرمایه‌ها از طریق عملیات سرمایه‌گذاری انباشته می‌شوند، به شکل میراث انتقال می‌یابند و فرصتهایی که دارنده سرمایه - در اینجا دانشجو - با انجام دادن سودمندترین جابه‌جایی‌ها فراهم می‌کند، بهره‌مندی بیشتر از آن را امکان‌پذیر می‌سازد (Bonnewits, 2012).

از نظر بوردیو (Bourdieu, 1985) هر نوع دارایی، منابع یا کالاهایی که در جامعه دارای ارزش باشند، می‌توانند نوعی سرمایه محسوب شوند. بوردیو (Bourdieu, 1986) در مقاله‌ای با عنوان «انواع سرمایه^{۱۱}» از چهار نوع سرمایه یاد می‌کند: ۱. سرمایه اقتصادی^{۱۲} (پول، دارایی)؛ ۲. سرمایه فرهنگی^{۱۳}

10. Pier Bourdiew

11. The Forms of Capital

دانش، مهارت و مدارک تحصیلی که نهادهای آموزشی آنها را تولید می‌کنند؛ ۳. سرمایه اجتماعی^{۱۴} (روابط و تعاملات افراد و عضویت در یک گروه)؛ ۴. سرمایه نمادین^{۱۵} (صلاحیت، اعتبار). در میان اشکال متفاوت سرمایه، سرمایه اقتصادی و فرهنگی مناسب‌ترین معیارهای تمایزگذاری را به‌منظور برساختن فضای اجتماعی در جوامع فراهم می‌کنند. از این رو، عاملان - در اینجا دانشجویان - بر اساس یک منطق دوگانه و یک بعد دوگانه توزیع می‌شوند (Bonnewits, 2012).

بنا بر استدلال بورديو سرمایه‌ها قابل تبدیل به یکدیگرند. بدین ترتیب، سرمایه اقتصادی می‌تواند به‌سرعت به سرمایه‌های اجتماعی (روابط و تعاملات با دیگران از قبیل استادان) و فرهنگی تبدیل شود. سرمایه اجتماعی می‌تواند به سرمایه اقتصادی تبدیل شود، اما قدرت تبدیل آن به سرمایه فرهنگی کمتر از قدرت تبدیل سرمایه فرهنگی به سرمایه اجتماعی است. تبدیل سرمایه‌ها به یکدیگر از جمله سازکارهای بازتولید طبقات و گروه‌های اجتماعی است (Sharepour and Fazeli, 2006).

با این تفاسیر و با توجه به تداخل و اتصالات میدانهای اجتماعی از نظر بورديو به یکدیگر و وجود پتانسیل به‌کارگیری سرمایه‌ها از میدانی به میدان دیگر، می‌توان این‌گونه تعاملات و روابط دانشجوی با استاد را با توجه به چارچوب تئوریک بورديو تبیین کرد که دانشجویانی که با انباشت، حجم و ترکیب سرمایه‌های فرهنگی و اقتصادی زیادی که از طریق خانواده و عاملان دیگر سرمایه‌گذاری کرده و آن را انباشته‌اند، وارد فضای علمی می‌شوند و به سهولت می‌توانند این ترکیب و حجم سرمایه‌ها را به نوع سرمایه‌های موجود در فضای علم - سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی (تعاملات و ارتباطات با سایر کارگزاران حوزه علم) - تبدیل کنند و فرایند بازتولید سرمایه‌های فرهنگی اجتماعی را استمرار بخشند.

بر اساس الگوی نظری بورديو، به‌عنوان چارچوب نظری اصلی فرضیه‌های محوری زیر در کنار فرضیه‌های فرعی استخراج شده‌اند:

۱. بین متغیرهای جمعیت شناختی و تعاملات و ارتباطات دانشجویان با استادان رابطه وجود دارد.
۲. بین سرمایه اقتصادی و تعاملات و ارتباطات دانشجویان با استادان رابطه وجود دارد.
۳. بین سرمایه اجتماعی و تعاملات و ارتباطات دانشجویان با استادان رابطه وجود دارد.
۴. بین سرمایه فرهنگی و تعاملات و ارتباطات دانشجویان با استادان رابطه وجود دارد.

12. Economic Capital

13. Cultural Capital

14. Social Capital

15. Symbolic Capital

روش پژوهش

متغیرهای زمینه‌ای این پژوهش سن، جنسیت، وضعیت تأهل، مقطع تحصیلی، دانشکده و قومیت است. روش جمع‌آوری داده‌ها پیمایش و ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه بوده است. برای اعتبار از اعتبار صوری استفاده شد و پرسشنامه اولیه با کسب نظر از استادانی که در این زمینه اطلاعات و آگاهی داشتند، اصلاح شد و گویه‌های نامناسب حذف شدند. میزان روایی متغیرها با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ تعیین شدند و برخی از گویه‌های نامناسب حذف شدند. ضریب آلفای کرونباخ برای شاخصهای سرمایه فرهنگی فرا آکادمیک والدین ۰/۸۴۵، سرمایه فرهنگی فرا آکادمیک فرد ۰/۷۲۷، سرمایه فرهنگی آکادمیک ۰/۷۹۹، سرمایه اجتماعی ۰/۷۴۹ و تعاملات و روابط دانشجویان با استادان ۰/۹۳۱ بوده است. جامعه آماری پژوهش دانشجویان دانشگاه شهید چمران و نمونه آماری دانشکده‌های این دانشگاه بودند که بر اساس نمونه‌گیری متناسب با حجم نمونه ۴۰۰ نفر برآورد شده است.

متغیر وابسته این پژوهش تعاملات و ارتباطات دانشجویان با استادان است که دارای تعاریف مفهومی و عملیاتی است. در تعریف مفهومی منظور از ارتباطات و تعاملات مزبور روابط و مناسبات دانشجویان با استادان در درون و بیرون از کلاسهای درس است. این متغیر علاوه بر جنبه‌های عینی، بر اساس نگرشها و تمایلات دانشجویان نیز ارزیابی می‌شود (Ghaneie Rad, 2006).

در تعریف عملیاتی تعاملات و ارتباطات دانشجویان با استادان از میزان تأثیرپذیری فکری در حوزه رشته تحصیلی، روشهای آموزشی شخصی، میزان پسندیدن منش و رفتار استادان، روحیه همکاری آنها با دیگر استادان گروه، میزان اثرگذاری آنها بر دیگر استادان گروه، میزان ترغیب دانشجویان به انجام دادن کارهای گروهی، میزان ترغیب دانشجویان به نوشتن مقالات علمی، میزان موفقیت استادان در پرورش توانایی دانشجویان برای حل مسائل علمی و... استفاده شده است. این متغیر در سطح فاصله‌ای به صورت طیف لیکرت اندازه‌گیری شده است.

متغیر سرمایه اقتصادی یکی از متغیرهای مستقل این پژوهش است. در تعریف مفهومی منظور از سرمایه اقتصادی سرمایه‌ای است که مستقیماً قابل تبدیل شدن به پول است که به صورت حقوق مالکیت نهادینه می‌شود؛ به عبارت دیگر، سرمایه اقتصادی از نگاه بورديو داراییهای تولیدی پول و هر چیز مادی است که می‌تواند در تولید کالا و خدمات به کار گرفته شود و به منابعی اشاره می‌کند که کنشگر صاحب آنهاست (Ritzer, 2010; Bourdieu, 1998).

سرمایه اقتصادی با شاخصهای میزان درآمد، قیمت اتومبیل و وضعیت منزل مسکونی (استیجاری، ملکی و سازمانی) اندازه‌گیری شده است (Abdollahi, 2006).

بورديو سرمايه فرهنگي را انواع گوناگوني از دانش، صلاحيت و گرايشهاي فرهنگي مي‌داند که دارای سه بعد اصلي زير است:

۱. **سرمايه فرهنگي تجسم يافته**^{۱۶}: اين نوع سرمايه بيشتر از طريق جامعه‌پذيري از والدين به فرزندان منتقل مي‌شود. بورديو اين نوع سرمايه را به‌عنوان «تمايلات پايدار ذهن و جسم» تعريف مي‌کند که همراه با تولد در وجود فرد شکل مي‌گيرد. اين نوع سرمايه در اندیشه بورديو به سبکها، روشها و سلايق فرهنگي اشاره دارد.

۲. **سرمايه فرهنگي عينيت يافته**^{۱۷}: اين نوع سرمايه نه در ذهن و جسم، بلکه در کالاهاي فرهنگي^{۱۸} يافت مي‌شود که گروههاي اجتماعي آنها را مصرف مي‌کنند، نظير کتاب، نقاشي، نوار کاست، عکس، فرهنگ لغات، ابزارآلات ماشين و به خصوص نوشته‌ها (Bourdieu, 1986).

۳. **سرمايه فرهنگي نهادينه شده**^{۱۹}: اين نوع سرمايه فرهنگي بيشترين رابطه را با فرايندي دارد که در نظام آموزشي رخ مي‌دهد، نظير داشتن مدرک تحصيلي از يک دانشگاه معتبر و گواهينامه معتبر. داشتن اين نوع سرمايه مي‌تواند موقعيت اجتماعي يا اقتصادي افراد و گروهها را بالا ببرد (Johnson, 2005). با توجه به اين اشاره تئوريک که در نظريه بورديو سرمايه‌ها قابل تبديل به يکديگرند و هر ميدان سرمايه ويژه خود را دارد، در اين پژوهش سرمايه فرهنگي دانشجو از ترکيب ميزان سرمايه‌هاي فرهنگي وي و والدين او به‌عنوان ميزان سرمايه فرهنگي فراآکادميک و سرمايه فرهنگي آکادميک اندازه‌گيري و سنجيده شده است.

در تمام تحقيقاتي که در خصوص سرمايه فرهنگي انجام شده است، از سه شيوه براي سنجش سرمايه فرهنگي استفاده کرده‌اند: ۱. سنجش ميزان دانش و فعاليتهاي هنري پاسخگويان؛ ۲. سنجش ميزان دانش و فعاليتهاي هنري والدين پاسخگويان؛ ۳. سنجش ميزان دانش و فعاليتهاي هنري پاسخگويان و والدين آنها.

سرمايه فرهنگي فراآکادميک به مجموعه کالاها، ابزار و وسايل فرهنگي اشاره مي‌کند که دانشجو و والدين او در خارج از فضاي آکادميک از آن برخوردارند. براي عملياتي‌سازي اين متغير از گويه‌هاي تماشاي برنامه‌هاي علمي تلويزيوني، تماشاي برنامه‌هاي سرگرم کننده از تلويزيون، رفتن به گالريهاي هنري و موزه‌ها، رفتن به تئاتر، رفتن به کنسرتهاي موسيقي، گوش دادن به موسيقي، دنبال کردن وقايع جاري از طريق تلويزيون، دنبال کردن وقايع جاري از طريق راديو، مطالعه روزنامه‌هاي سياسي، اجتماعي، فرهنگي، اقتصادي، خواندن کتابهاي داستان، رفتن به کتابخانه عمومي، رفتن به کلاسهاي زبان خارجي

16. Embodied

17. Objectified

18. Goods Culture

19. Institutionalized

و... استفاده شده است. این متغیر در سطح فاصله‌ای با استفاده از طیف لیکرت پنج طبقه‌ای سنجیده شده است.

سرمایه فرهنگی آکادمیک به مجموعه کالاها، ابزار و وسایل دانش و ثروتهای نمادینی اشاره دارد که افراد- دانشجویان-در دانشگاه از آنها برخوردارند. برای عملیاتی‌سازی این متغیر از گویه‌های خرید مجلات علمی و کتابهای مربوط به رشته تخصصی، ارسال مقاله به همایشهای علمی، چاپ مقاله در نشریات دانشگاه، مطالعه مجلات و نشریات مربوط به رشته تخصصی، مطالعه در پژوهشکده‌ها و سالنهای مطالعاتی دانشگاه، شرکت در همایشهای علمی رشته خود در خارج از دانشگاه، شرکت در همایشهای علمی رشته خود در داخل دانشگاه، شرکت در کارگاههای آموزشی دانشگاه، شرکت در انجمنهای علمی، شرکت در انجمنهای ورزشی و... در سطح سنجش فاصله‌ای به‌صورت طیف لیکرت سنجیده شده است.

یافته‌ها

آمار توصیفی

جدول توصیفی متغیر سن پاسخگویان نشان می‌دهد که میانگین سن در جامعه مورد بررسی ۲۹/۹۸ و حداقل سن پاسخگویان ۱۸ و حداکثر سن ۴۲ سال است. ۶۲/۸ درصد پاسخگویان مرد و ۳۷/۲ درصد زن بودند. ۹۱/۸ درصد از پاسخگویان مجرد و ۸/۳ درصد متأهل بودند. ۷۷ درصد از آنها مدرک کارشناسی، ۱۸/۰۸ درصد مدرک کارشناسی‌ارشد و ۴/۰ درصد مدرک دکتری داشتند. ۹۰/۵ درصد پاسخگویان محل سکونت خود را شهر و ۹/۵ درصد روستا اعلام کردند. از نظر دانشکده بیشترین درس را دانشکده علوم با ۱۷/۵ درصد به خود اختصاص داده است. توزیع فراوانی پاسخگویان نمونه مورد بررسی بر حسب قومیت نشان داد که قومیت فارس با ۳۸/۲ درصد بیشترین درصد را در نمونه آماری داشته‌اند. آماره توصیفی متغیر تعاملات و ارتباطات دانشجویان با استادان نشان داد که میانگین این متغیر ۹۴/۲۲ با انحراف معیار ۱۶/۰۰، واریانس ۲۵۶/۰۹ حداقل ۴۷/۰۰ و حداکثر ۱۲۸/۰۰ بوده است.

نتایج تحلیل دو متغیری

۱. بین متغیرهای جمعیت شناختی و تعاملات و ارتباطات دانشجویان با استادان رابطه وجود دارد.

در این قسمت نتایج آزمون متغیر وابسته با متغیرهای جمعیت شناختی بیان شده است. در رابطه متغیر وابسته و متغیرهای مستقل (جنسیت، وضعیت تأهل و محل سکونت) با توجه به نرمال بودن توزیع از آماره (t-test) و با فرض عدم تجانس واریانس دو گروه مستقل ($\text{sig} \leq 5\%$)، بین جنسیت و تعاملات و ارتباطات دانشجویان تفاوت معنادار وجود دارد. بدین ترتیب، فعالیت و ارتباطات زنان به شکل

معناداری بیشتر بوده است که به نظر می‌رسد این امر ناشی از افزایش نسبت زنان در رشته‌های دانشگاهی باشد. بر اساس آماره‌های توصیفی، میانگین مقالات و ارتباطات دانشجویان زن ۵۸/۵۸ درصد و دانشجویان مرد ۵۶/۹۴ درصد بوده است. نتایج تحلیل دو متغیری متغیرهایی مانند وضعیت تأهل و محل سکونت نشان می‌دهد که با فرض عدم تجانس واریانس دو گروه مستقل بین وضعیت تأهل و محل سکونت تفاوت معناداری وجود ندارد.

در سنجش رابطه رشته تحصیلی و تعاملات و ارتباطات دانشجویان و استادان، بر اساس نتایج تحلیل واریانس یک طرفه، مقدار آماره $F (۲/۳۰۹)$ و سطح معناداری $(۰/۰۱۱)$ بیانگر معناداری بین این دو متغیر است.

در سنجش رابطه قومیت و تعاملات و ارتباطات دانشجویان با استادان بر اساس نتایج تحلیل واریانس یک طرفه، مقدار آماره $F (۱/۱۶۱)$ و سطح معناداری $(۰/۳۲۷)$ بیانگر معنادار بودن دو متغیر مذکور بوده است.

افزون بر این، در سنجش رابطه دانشکده و روابط و تعاملات بین دانشجویان و استادان بر اساس نتایج تحلیل واریانس یک طرفه، مقدار آماره $F (۰/۳۴۴)$ و سطح معناداری $(۰/۹۱۳)$ بیانگر تفاوت معنادار بین دانشکده‌های مختلف از نظر میزان تعاملات و ارتباطات دانشجویان با استادان است.

همچنین، در بخش رابطه مقطع تحصیلی و تعاملات و روابط دانشجویان و استادان بر اساس نتایج تحلیل واریانس یک طرفه، تعداد آماره $F (۸/۷۹۱)$ و سطح معناداری $(۰/۰۰۴)$ بیانگر تفاوت تعاملات و روابط دانشجویان با استادان از نظر مقاطع تحصیلی در جامعه مورد بررسی بوده است.

در نهایت، آزمون رابطه بین سن و تعاملات و ارتباطات دانشجویان و استادان نشان می‌دهد که بین سن و تعاملات و ارتباطات همبستگی معناداری وجود ندارد $(r = 0.089, sig = 0.112)$.

۲. بین سرمایه اقتصادی و تعاملات و ارتباطات دانشجویان با استادان رابطه وجود دارد.

۳. بین سرمایه اجتماعی و تعاملات و ارتباطات دانشجویان با استادان رابطه وجود دارد.

۴. بین سرمایه فرهنگی و تعاملات و ارتباطات دانشجویان با استادان رابطه وجود دارد
در این بخش رابطه متغیرهای تحقیق به صورت دو به دو و براساس فرضیات تحقیق بررسی شده است. بدین منظور، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است تا ارتباط متغیرهای مورد نظر با یکدیگر و نیز شدت و جهت رابطه و همچنین، معناداری و تفاوت موجود بین آنها بررسی شود.

برای بررسی روابط همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته ابتدا با استفاده از ترکیب معرفهای هر متغیر یک متغیر کلی ساخته شد. سپس، بین تمام متغیرها رابطه برقرار و همبستگی آنها با یکدیگر بررسی شد. این روابط همبستگی به صورت ماتریس در جدول ۱ آورده شده است. یکی از دلایلی که در

این تحقیق از ماتریس استفاده شده است، پابندی به گزاره اصلی نظریه بوردیوست که اشاره می‌کند که سرمایه‌ها قابل تبدیل به یکدیگرند. همان‌طور که نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد، بین تمام متغیرهای جدول رابطه همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد؛ به عبارت دیگر، هر چقدر میزان سرمایه‌های دانشجو افزایش می‌یابد، به میزان تعاملات و ارتباطات او با استادان افزوده می‌شود.

نتایج جدول ۱ همچنین، نشان می‌دهد که بین متغیرهای مستقل - سرمایه اقتصادی، سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی فراآکادمیک، سرمایه فرهنگی آکادمیک، سرمایه فرهنگی والدین و سرمایه فرهنگی کل - با یکدیگر رابطه مسقیم و مثبت وجود دارد.

جدول ۱- ماتریس ضرایب همبستگی متغیرهای مستقل و وابسته

تعاملات و ارتباطات دانشجویان با استادان	سرمایه فرهنگی آکادمیک	سرمایه فرهنگی شخصی	سرمایه فرهنگی والدین	سرمایه اقتصادی	سرمایه اجتماعی	شاخصها
					۱	ضریب پیرسن
					۰	سطح معناداری
					۴۰۰	تعداد
				۱	۰/۱۰۲*	ضریب پیرسن
				۰	۰/۰۱	سطح معناداری
				۴۰۰	۴۰۰	تعداد
			۱	۰/۳۹۰**	۰/۱۵۰*	ضریب پیرسن
			۰	۰/۰۰۰	۰۰۲	سطح معناداری
			۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	تعداد
		۱	۰/۴۵۱**	۰/۱۹۹*	۰/۳۴۵**	ضریب پیرسن
		۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۴	۰/۰۰۲	سطح معناداری
		۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	تعداد
	۱	۰/۸۵۸**	۰/۶۵۱**	۰/۲۶۷**	۰/۳۱۷**	ضریب پیرسن
	۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۹	سطح معناداری
	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	تعداد
۱	۰/۱۹۱**	۰/۱۲۴*	۰/۳۴۲**	۰/۶۰۴**	۰/۱۷۸*	ضریب پیرسن
۰	۰/۰۰۰	۰/۰۱۳	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۱۰	سطح معناداری
۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	تعداد

* همبستگی در سطح ۰/۰۵ است.

** همبستگی در سطح ۰/۰۰۱ است.

تحلیل رگرسیون چند متغیره

در این سنجش تحلیل روابط چندگانه بین متغیرها بررسی شده و هدف یافتن میزان و سهم اثر متغیرهای مستقل در توضیح روابط و تعاملات دانشجویان با استادان است.

بر اساس نظریه مطرح شده، عواملی که بر تعاملات و ارتباطات دانشجویان و استادان مؤثر فرض شده‌اند شامل متغیرهای زمینه‌ای و متغیرهای سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی و اقتصادی است که با روش گام به گام^{۲۰} وارد معادله شدند که در نهایت، متغیرهای سرمایه اجتماعی، سرمایه اقتصادی و بعد سرمایه فرهنگی والدین از متغیر سرمایه فرهنگی در معادله باقی مانده‌اند که این سه متغیر در مجموع ۴۰ درصد از واریانس تعاملات و ارتباطات دانشجویان با استادان را توضیح می‌دهند. بر اساس نتیجه به‌دست آمده از تحلیل رگرسیونی، افرادی که از میزان و ترکیبی از سرمایه‌های اجتماعی، اقتصادی و بعد سرمایه فرهنگی والدین برخوردارند، تمایل بیشتری از خود به برقراری روابط و تعاملات با استادان نشان می‌دهند.

جدول ۲- رگرسیون تعاملات و ارتباطات دانشجویان با استادان و متغیرهای مستقل

SIG T	Beta	شاخصها متغیرها
۰/۰۰۰	۰/۵۴۴	سرمایه اقتصادی
۰/۰۰۳	۰/۱۱۶	سرمایه اجتماعی
۰/۰۰۴	۰/۱۲۴	سرمایه فرهنگی والدین
$R^2 = ۰/۶۲۶$	۰/۳۹۸	SIGF = ۰/۰۰۰

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه نتایج تحقیق حاضر با گزاره‌های افق نظری استفاده شده همخوانی دارد و در واقع، از آن حمایت می‌کند، می‌توان گفت که تحقیق حاضر از پشتوانه تئوری محکمی برخوردار است و نتایج به‌دست آمده از آن را می‌توان با اطمینان به کل جامعه آماری تعمیم داد؛ از این رو، در این قسمت به برخی از این نتایج اشاره شده است.

نتایج به‌دست آمده از آزمون آماری این پژوهش نشان داد که بین سرمایه اقتصادی و روابط و ارتباطات دانشجویان با استادان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. این نتیجه با تئوری بورديو که معتقد است سرمایه‌ها قابل تبدیل به یکدیگرند و جایگاه هر فرد در فضای اجتماعی بر اساس میزان و ترکیب سرمایه‌های او تعیین می‌شود، همسویی دارد.

نتایج به‌دست آمده از آزمون آماری این پژوهش نشان داد که بین میزان سرمایه اجتماعی و میزان روابط و ارتباطات دانشجویان با استادان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. این نتیجه با تئوری بورديو که

معتقد است سرمایه‌ها قابل تبدیل به یکدیگرند و جایگاه هر فرد در فضای اجتماعی بر اساس میزان ترکیب سرمایه‌های او تعیین می‌شود، هماهنگ است.

همچنین، نتایج به دست آمده از آزمون آماری این پژوهش نشان داد که بین میزان سرمایه فرهنگی دانشجویان و ارتباطات دانشجویان با استادان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. این نتیجه با تئوری بوردیو (Bourdieu, 1998) و کار تجربی جان نوبل و پیتر دیویس (Noble and Davis, 2008) که معتقدند سرمایه‌ها قابل تبدیل به یکدیگرند و جایگاه هر فرد در فضای اجتماعی بر اساس میزان و ترکیب سرمایه‌های او تعیین می‌شود، همسویی دارد.

یافته‌های این تحقیق نشان داد که بین تحصیلات والدین به عنوان سرمایه‌های فرآکادمیک دانشجویان و روابط و تعاملات دانشجویان با استادان رابطه وجود دارد که یافته‌های این تحقیق با یافته‌های تجربی جاذبی‌زاده و کریمی (Jazebizadeh and Karimi, 2007) که به رابطه بین تحصیلات والدین و تعاملات و ارتباطات دانشجویان و استادان پرداخته‌اند، همسویی دارد.

نتایج تجزیه و تحلیل این تحقیق نشان داد که بین دانشکده‌ها از نظر میزان تعاملات و ارتباطات دانشجویان و استادان تفاوت معناداری وجود دارد که به نظر می‌رسد با یافته‌های تحقیق قانع‌راد (Ghaneie Rad, 2006) همخوانی دارد که نشان داده است بین دانشکده‌های دانشگاه‌های تهران از نظر تعاملات و ارتباطات تفاوت معناداری وجود دارد.

همچنین، نتایج این تحقیق نشان داد که بین جنسیت دانشجویان از نظر میزان تعاملات و ارتباطات دانشجویان و استادان تفاوت معناداری وجود دارد که با یافته‌های تحقیق جاذبی‌زاده و کریمی (Jazebizadeh and Karimi, 2007) همسویی دارد.

از یافته‌های این تحقیق باید به این نکته اشاره کرد که بین نوع اسکان در محل تحصیل (خوابگاه دولتی، خودگردان و خانه شخصی) با تعاملات و ارتباطات دانشجویان با استادان تفاوت معناداری مشاهده شد. به طوری که بین این سه گروه مورد بررسی از نظر تعاملات با استادان تفاوت میانگین معناداری (0/004) وجود داشت که این یافته را می‌توان به عنوان یکی از نوآوری‌های این تحقیق لحاظ کرد.

پیشنهادها

با توجه به نتایج تئوریک و تجربی تحقیق حاضر، پیشنهادها در سه سطح سیاستی، پژوهشی و اجرایی به صورت زیر ارائه می‌شود:

با توجه به این امر که در این پژوهش موضوع تعاملات و ارتباطات دانشجویان با استادان از دو بعد عینی و ذهنی سنجش شده است و دانشجویان از نظر تعاملات و ارتباطات در سطح متوسطی گرایش

نشان داده‌اند، سیاست‌های دانشگاه نمونه مورد بررسی به‌طور خاص و آموزش عالی ایران به‌طور عام باید به‌گونه‌ای تدوین شود که زمینه برای افزایش تعاملات و ارتباطات بیشتر دانشجویان فراهم شود. همچنین، از منظر سیاستی پیشنهاد می‌شود که سیاست‌های علمی و آکادمیک به‌گونه‌ای تدوین شوند که دانشگاه فضایی باشد که در آن به برخی از نابرابریهای اقتصادی و دستیابی به منابع فرهنگی دانشجویان در خارج توجه شود و نیز بتوان نتایج و پیامدهای این نابرابریها را، همان‌طور که نتایج این تحقیق نشان داده است، به شکلی کمتر کرد، نه اینکه دانشگاه مکانی باشد که به باز تولید نابرابری و قشربندی کمک کند.

همچنین، با توجه به وجود داشتن رابطه بین سرمایه فرهنگی آکادمیک و تعاملات و ارتباطات، بهتر است سیاست‌های آموزش عالی در ایران به‌گونه‌ای تدوین شود که به بحث سرمایه‌های فرهنگی درون دانشگاهی تأکید بیشتری شود.

از منظر پیشنهاد‌های پژوهشی گفتنی است که با توجه به این امر که در این پژوهش بیشتر با یک نوع نگاه قشربندی و ساختاری به موضوع تعاملات و ارتباطات پرداخته شده است، بهتر است که در پژوهش‌های دیگر از زوایای دیگر جامعه‌شناختی، مانند جامعه‌شناسی فرهنگی و جامعه‌شناسی سطح خرد که به عوامل بین فردی می‌پردازد، این موضوع تبیین شود. همچنین، از منظر پژوهشی پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های بعدی عوامل مؤثر بر تعاملات و ارتباطات دانشجویان با یکدیگر نیز بررسی شوند. از نظر اجرایی پیشنهاد می‌شود که در دانشگاه نمونه مورد بررسی و واحدهای آموزش عالی ایران به‌طور کلی به اجرای طرح‌هایی در جهت ارتقای سطح سرمایه فرهنگی و اجتماعی دانشجویان توجه شود.

References

1. Abdollahi, Mohammad (1996); "Sociology in Iran, a Look at the Past, Present and Future"; *Rahyaf Journal*, No. 13, pp. 20-26 (in Persian).
2. Behravan, Hossein (2004); "Social and Cultural the Role of Social and Cultural Participation and the Feeling of Social Change"; *The Journal of The Young Studies*, No. 6, pp. 24-45(in Persian).
3. Bonnewitz, P. (2012); *The Sociology of Pierre Bourdieu*; Translated by Jahangiri, Jahangir and Poorsafire, Hassan, Tehran: Agah Publication House.
4. Bourdieu, P. (1986); "The Forms of Capital"; in Richardson, J. (Ed.); *Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education*; New York: Greenwood Press, pp. 241-258, Available at: www.gigapedia.com

5. Bourdieu, P. (1998); *Practical Reason: on the Theory of Social Action*; Cambridge, UK: Polity Press, Available at: www.gigapedia.com
6. Bourdieu, P. (2000); *Pascalian Meditations*; (R. Nice, Trans.), Stanford, CA: Stanford University Press, Available at: www.gigapedia.com
7. Bourdieu, P. and Wacquant, L.J.D. (1992); *An Invitation to Reflexive Sociology*; University of Chicago Press, Chicago, Available at: www.sagepub.com
8. Bourdieu, P.(1985); "The Market of Symbolic Goods"; *Poetics*, Vol. 14, pp. 13-44, Available at: www.sagepub.com
9. Ghaneie Rad, Mohammad Amin (2006); "The Role of Students' and Professors' Interaction in the Formation of Academic Social Capital"; *Iranian Journal of Sociology*, Vol. 7, No. 1, pp. 3-29 (in Persian).
10. Ghaneie Rad, Mohammad Amin (2006); *Interaction and Relationship in the Scientific Community*; Tehran (in Persian).
11. Jazebizadeh, Mohammadreza and Karimi, Mohammadreza (2007); "The Study of Facators Influecing the Impowerment of Relationship between Professors and Students of Islamic Azad University, Hahrom"; *The Journal of Sociology of Islamic Azad Univesity Shoshtar*, Vol. 4, No. 5, pp. 34-46(in Persian).
12. Johnson, Louise (2005); *Valuing the Arts: Theorising and Realising Cultural*; School of History, Heritage and Society, Deakin University, Geelong, Victoria 3217, Australia, Available at: www.sagepub.com
13. Marjaei, Sayyed Hadi and Ghazi Tabatabaei, Mahmoud (2001); "The Study of Factors Influecing University Self-efficiency of MA and PHD Students of Tehran University"; *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, No.19, pp. 31-57 (in Persian).
14. Nobel, John and Davis, Peter (2008); *Cultural Capital of Variation in Participation in Higher Education*; Institute for Access Studies, Staffordshire University, Available at: www.isas.ac.ir

15. Ritzer, G. (2010); *The Foundation of Contemporary Social Theory and its Cultural Roots*; Translated by Mossamma Parast Shahnaz, Tehran: Sales Publications (in Persian).
16. Scott, J. and Lopez, J. (2006); *Social Structure*; Translated by Ghazyan, Hossein, Tehran: Ney Publications (in Persian).
17. Seedman, S. (2006); *The Conflict of Ideas in Sociology*; Translated by Jalili, Hadi, Tehran: Nei Publications (in Persian).
18. Sharepour, Mahmood and Fazeli, Mohammad (2006); "The Function of Students Scientific Community"; *The Journal of Social Studies of Iran*, Vol. 1, No. 2, pp. 62-82 (in Persian).
19. Tavassoli, Gholam Abbas and Moosavi, Marzyeh (2005); "The Concept of Capital in Classical and Modern Theories"; *The Letter of Social Sciences, Series*, No. 26, pp.1-32 (in Persian).
20. Watkins, D. (2002); Faculty and Student Interaction; Glark, B.R. and Neave, G.R. (edits); *Encyclopedia of Higher Education*; Vol. 3, pp.1614-1605, Oxford: Pergamanpress, Available at: www.sagepub.com

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.